

مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام

امام صادق(علیه السلام) از بسترها و زمینه‌های موجود عصر خویش بهره جست و توانست با انجام فعالیت‌های فرهنگی گسترده، نظام فرهنگی جامعه شیعه را طراحی و مدیریت نماید.



امام صادق(علیه السلام) از بسترها و زمینه‌های موجود عصر خویش بهره جست و توانست با انجام فعالیت‌های فرهنگی گسترده، نظام فرهنگی جامعه شیعه را طراحی و مدیریت نماید.

چکیده

وجود انحرافات فرهنگی و بدعت‌های دینی در عصر امویان، لزوم بازنگری در فرهنگ اسلامی به‌ویژه فرهنگ مذهب تشیع را فزونی بخشیده بود. مناسب‌ترین شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مختص عصر امامین صادقین(علیه السلام) بود که فرصتی مناسب برای انجام فعالیت‌های فرهنگی را فراهم آورد. امام صادق(علیه السلام) از بسترها و زمینه‌های موجود عصر خویش بهره جست و توانست با انجام فعالیت‌های فرهنگی گسترده، نظام فرهنگی جامعه شیعه را طراحی و مدیریت نماید. هدف مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) چه بود؟ با بررسی منابع و گردآوری و پردازش اطلاعات به شیوه توصیفی - تحلیلی نتایج ذیل حاصل شد:

مهم‌ترین دستاوردهای تلاش و فعالیت امام صادق(علیه السلام)، توسعه تشیع، نظام‌مند شدن عقاید و باورها، شکل‌گیری تشکیلات سیاسی، پویایی فقه شیعی و شکل‌گیری نظام آموزشی منسجم می‌باشد. در واقع مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) از طرفی موجبات شکل‌گیری ساختار فرهنگی شیعه و از طرف دیگر زمینه‌های پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

امام صادق(علیه السلام)، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، جامعه شیعه، تمدن اسلامی.

طرح مسئله

مسائل فرهنگی از جمله مهم‌ترین مسائل هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. عوامل مختلفی ازجمله دین، اعتقادات و باورها در شکل‌گیری و تداوم فرهنگ‌ها تأثیرگذار است. امامان معصوم(علیهم السلام) به‌عنوان رهبران دینی جامعه تشیع، نقش مهمی در شکل‌گیری و پویایی فرهنگ شیعی ایفا کرده‌اند. در این میان، نقش امام صادق(علیه السلام) به‌دلیل فرصت‌ها و زمینه‌های موجود در عصر ایشان برجسته‌تر است. امام صادق(علیه السلام) ساختار فرهنگی جامعه تشیع را سامان‌دهی نموده و تحولی شایسته در پیشرفت فرهنگی جامعه اسلامی ایجاد نمود. ایشان با طرح‌ها و ابتکاراتی که آفریدند، شئون مختلف جامعه شیعه را مهندسی کردند. در دوره‌های بعدی شیوه آن حضرت در مهندسی فرهنگی توسط دیگر ائمه(علیهم السلام) تداوم پیدا کرد. قطعاً اصلاح ساختار فرهنگ جامعه با برنامه‌ریزی جامع فرهنگی میسر بود که آن هم وابسته به مدل و الگوی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) می‌تواند الگوی عملی قابل اتکایی را برای سامان‌دهی نظام فرهنگی جامعه اسلامی ارائه نماید. ازاین‌رو شناخت و معرفی پیامدها و نتایج حاصل از فعالیت‌های فرهنگی ایشان ضروری به‌نظر می‌رسد.

در زمینه مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) تحقیقات قابل توجهی انجام نگرفته است. البته در لابه‌لای تحقیقاتی که درباره آن حضرت صورت گرفته، به‌صورت استطرادی اشاراتی به فعالیت‌های حضرت مشاهده می‌شود، ولی به هیچ عنوان چنین توجهاتی انعکاس‌دهنده تصویری کامل از پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) نیست. دکتر عادل ادیب در بخشی از کتاب خود به‌نام زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، دکتر احمد رضا خضری در قسمتی از کتاب تاریخ تشیع، رسول جعفریان در کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، علی محمدعلی الدخیل در کتاب ائمتنا، هاشم معروف الحسینی در کتاب سیره الائمة الاثنی عشر و همچنین استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب ارزشمند سیری در سیره ائمه اطهار به بخشی از فعالیت‌های فرهنگی امام صادق(علیه السلام) پرداخته‌اند.

در مقاله حاضر تلاش شده است با توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی و روایی، مهم‌ترین پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) بررسی شود.

الف) فرهنگ

فرهنگ در لغت به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل به کار رفته است. (1) در اصطلاح نیز مقوله یا مفهوم فرهنگ دارای معانی بسیار و ابعاد استعمالات گوناگون و وسیعی است. برخی کاربرد فرهنگ را صرفاً در بُعد معنوی یا روحيات می‌بینند و برخی آن را به مثابه ارزش‌هایی که یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی‌ای که تولید می‌کنند، تعریف نموده‌اند. (2) کلمه فرهنگ در اصطلاح علمی در مقابل واژه تمدن به کار می‌رود و با وجود تمایز دقیق بین حوزه‌های معنوی و مادی در دستاوردهای بشری، فرهنگ را برای حوزه‌های معنوی و روحی و تمدن را برای وجوه مادی به کار برده‌اند.

ب) مهندسی

واژه هندسه به معنای «اندازه» در زبان فارسی است که معرب گشته و مشتقاتی همچون مهندسی از آن ساخته شده است. (3) مهندس، عالم به هندسه را گویند. (4) بنابراین مهندسی تعبیری است که بر اندازه‌گیری، طراحی و نقشه‌پردازی در یک موضوع یا مقوله دلالت می‌کند.

ج) مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی به معنای ترسیم نقشه و هندسه‌پردازی برای شئون مختلف جامعه با رویکرد فرهنگی و از زاویه فرهنگ می‌باشد. «مهندسی فرهنگی» از جهت مفهوم‌شناسی، محتوا و ساخت زبانی با «مهندسی فرهنگ» تفاوت دارد. در «مهندسی فرهنگ»، مهندسی به فرهنگ اضافه شده و ترکیب از نوع اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است. در این ترکیب مقوله «فرهنگ» متعلق و موضوع «مهندسی» است و آنچه که باید مهندسی شود، فرهنگ است نه چیز دیگر. ولی «مهندسی فرهنگی» تعبیری است پدیدآمده از یک ترکیب وصفی (صفت و موصوف) که به معنای تدبیر کردن، سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه کردن امور و شئون از نوع فرهنگی، با معیارهای فرهنگی و از زاویه فرهنگ می‌باشد. در این ترکیب متعلق مهندسی ذکر نگردیده و مشخصاً گفته نشده چه چیزی را باید مهندسی کنیم؛ درحالی‌که در «مهندسی فرهنگ» متعلق خود فرهنگ بود. بدین ترتیب در «مهندسی فرهنگی» متعلق بسیار وسیع گرفته شده است و می‌تواند علاوه بر فرهنگ، بسیاری از مقوله‌های دیگر را نیز شامل شود. (5)

د) برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از تنظیم روندی از پیش طراحی‌شده برای رسیدن به اهداف مشخص و زمان‌بندی شده فرهنگی. در واقع برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی فرهنگی است. (6)

بسترها و زمینه‌های مهندسی فرهنگی امام صادق (علیه السلام)

رخدادهای مهم واپسین سالیان حکمرانی امویان عرصه و مجالی برای رشد تکاپوهای فرهنگی شیعه فراهم آورد. شکل‌گیری بحران‌های سیاسی، اوج‌گیری شورش‌های اجتماعی، آغاز دعوت عباسیان، آشفتگی فرهنگی و شور و نشاط علمی در این دوره، از جمله مهم‌ترین زمینه‌های ترسیم شاکله فرهنگی تشیع در عصر امام صادق (علیه السلام) به‌شمار می‌آید.

بحران‌های سیاسی نظیر عدم مشروعیت نظام سیاسی، تعدد ولایت‌عهدی، تعصبات قبیله‌ای و شورش‌های اجتماعی در اواخر عصر اموی مانند قیام زید بن علی بن حسین در سال 122 ق در کوفه، قیام فرزندش یحیی در سال 125 ق در خراسان و شورش عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار در سال 129 ق، فرصت و قدرت تعقیب فعالیت‌های امام صادق (علیه السلام) را در بخش وسیعی از زندگی آن حضرت، از حکومت سلب کرده بود. از این رو امام (علیه السلام) در فضای مناسب‌تری توانست جامعه شیعه را رهبری نماید.

همچنین شعارهای دعوت عباسیان مثل شعار «الرضا من آل محمد (صلی الله علیه و آله)» که طی چندین سال توسط بنی‌عباس بر گوش‌های مردم در مناطق مختلف نواخته شده بود، علی‌رغم میل خود بنی‌عباس، مردم را به بازشناسی آل محمد (صلی الله علیه و آله) ترغیب کرده و فضا را برای معرفی وارثان اصلی مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در این دوره امام صادق (علیه

السلام) در رأس آن قرار داشت، فراهم نموده بود. شعار ضد بیدادگری و عدالت‌خواهی عباسیان، یاد عدالت علوی را زنده می‌کرد و این موضوع به‌خصوص برای موالی و کسانی که از تبعیض‌های نژادی دستگاه اموی به ستوه آمده بودند، بسیار مهم بوده است.

به‌لحاظ زمینه‌های فرهنگی نیز جریان‌های فکری و مذهبی مثل زنادقه، مرجئه، معتزله، صوفیه، حنفی و مالکی در این دوره بر فعالیت خود افزودند و شور و نشاط علمی بی‌نظیری در دنیای اسلام شکل گرفت. فضای حاصل از این جریان‌های سیاسی و فرهنگی می‌توانست برای جامعه شیعه آسیب‌زا باشد. اما امام صادق(علیه السلام) این تهدیدها را به فرصت تبدیل نموده و از بسترهای موجود برای رشد فرهنگی جامعه اسلامی و مهندسی فرهنگی جامعه شیعه استفاده نمودند. مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام) پیامدها و نتایجی داشت که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق(علیه السلام)

الف) توسعه تشیع

بدون تردید جامعه شیعه در عصر امام صادق(علیه السلام) شاهد تحولی عظیم در ابعاد مختلف بوده است که توسعه تشیع از مصادیق بارز این تحولات به‌شمار می‌رود. بخش اعظم رشد کیفی و کمی شیعه، مرهون تلاش‌های بی‌بدیل امام صادق(علیه السلام) بوده و از دستاوردهای مهندسی فرهنگی آن حضرت به‌شمار می‌آید. از این‌رو ابتدا به روند توسعه تشیع و سپس به راهکارهای امام صادق(علیه السلام) در راستای حفظ جامعه شیعه از آسیب‌های پیش رو می‌پردازیم.

1. روند توسعه تشیع در عصر امام صادق(علیه السلام)

گرچه به‌دنبال واقعه عاشورا احساسات مردم و به‌خصوص شیعیان تا حدی به سمت اهل‌بیت(علیهم السلام) معطوف گشت (7) و امام سجاد و امام باقر(علیه السلام) فعالیت‌های فرهنگی مهمی در جهت توسعه مبادی شیعه انجام دادند، لکن تبلیغات امویان علیه شیعه شدیدتر از آن بود که جماعت شیعه بتواند علناً فعالیت و رشد نماید. حکومت اموی، هم در صحنه سیاسی - اجتماعی برخورد سختی با دوستداران اهل‌بیت(علیهم السلام) داشت و هم در بعد فرهنگی با جعل احادیث و تحریف آنها به‌طور مداوم در تخطئه شیعه می‌کوشید. (8) با این هجمه تبلیغات و تدابیر شدید امنیتی حکومت اموی علیه شیعه، در حاشیه ماندن شیعیان و فقر فرهنگی و اجتماعی آنها امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. شاهد این موضوع گله‌مندی ائمه(علیهم السلام) از دوره امویان است که در فرمایش امام سجاد(علیه السلام) به‌درستی منعکس شده است: «ما در مکه و مدینه بیست نفر دوستدار اهل‌بیت(علیهم السلام) نداریم.» (9) همچنان‌که وقتی حرمان بن‌اعین تعداد شیعیان را به امام باقر(علیه السلام) گزارش می‌دهد، می‌گوید: «اگر همه ما شیعه‌های کوفه را جمع کنند و سر سفره‌ای بنشانند که غذای آن سفره یک گوسفند باشد، تمام نمی‌شود.» (10) ولی با تحول فرهنگی‌ای که امام صادق(علیه السلام) در همین شهر متشکل از طبقات فرهنگی و اجتماعی گوناگون ایجاد کردند، تاریخ کوفه شاهد حضور نهصد نفر راوی که همگی از امام صادق(علیه السلام) نقل روایت می‌کردند، می‌شود، (11) که از این آمار می‌توان به میزان توسعه چشمگیر شیعیان پی برد. در مکتب امام صادق(علیه السلام) افراد ویژه‌ای با استعدادهای درخشان ظهور کردند که قدرت بیان و تبلیغ بالایی داشته و از موقعیت اجتماعی مناسبی برخوردار بودند که فعالیت آنها در دستگاه فرهنگی امام صادق(علیه السلام) توانست عده بسیاری را با جامعه شیعه همراه کند؛ حتی به‌تدریج خانواده‌هایی پیدا شدند که مهد تشیع قرار گرفتند؛ مثل «آل‌اعین» خاندان زراره معروف که نزدیک به 60 فقیه از این خانواده به ثمر رسیدند. (12)

2. حفظ جامعه شیعه از آسیب

در واقع مهم‌ترین عاملی که موجبات توسعه هرچه بیشتر جامعه رو به رشد شیعه را فراهم نمود و باعث شد جامعه شیعی هم به‌لحاظ جمعیت و هم از جهت مرزهای جغرافیایی روزبه‌روز پیشرفت نماید، مجموعه طرح‌ها و تدابیری بود که امام صادق(علیه السلام) به‌کار بست. این مسئله به‌خصوص در دوره منصور (خلافت 158 - 136 ق) که حکومت عباسی تثبیت شده است، اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد. در این دوره که مسائل فکری و عقیدتی و همچنین مباحث فقهی در جامعه اسلامی اوج گرفته و شبهات گوناگون در زمینه‌های دینی و غیر دینی مطرح می‌شد، نیاز علمی و معرفتی شدیدی پدید آمده بود که در نتیجه آن توجه مردم به امام صادق(علیه السلام) بیشتر شده و جایگاه و موقعیت اجتماعی ایشان در جامعه روزبه‌روز بهتر شناخته می‌شد؛ چنان‌که شخصی نقل می‌کند: «جهت دیدار امام صادق(علیه السلام) به حیره (6 کیلومتری کوفه) رفتم، ولی به‌جهت ازدحام جمعیتی که دور امام(علیه السلام) را گرفته بودند، ملاقات را ناممکن یافتم. سه روز منتظر ماندم و در نهایت نتوانستم ایشان را ملاقات کنم. روز چهارم، امام(علیه السلام) مرا دید و بعد از خلوت شدن مراجعه‌کنندگان، مرا نزدیک قبر امیرمؤمنان(علیه السلام)(13) برد و آنجا با هم صحبت کردیم.» (14)

از این نقل‌ها میزان توجه و تمرکز مردم به امام صادق (علیه السلام) فهمیده می‌شود. این مسئله امری نبود که حکومت نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ در چنین فضایی شخص امام صادق (علیه السلام) برای حکومت دارای حساسیت بود و از میان برداشتن ایشان، از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت به‌شمار می‌رفت. همچنین جماعت شیعه نیز که نسبت به دوره‌های قبل با سرعت بیشتری در حال افزایش بود و با کناره‌گیری از اقدام نظامی، بهانه سرکوب را از حکومت گرفته بود، برای حکومت نگران‌کننده و حساسیت‌زا بود؛ چنان‌که طبق گزارش منابع اولیه، منصور جاسوسانی برای کشف ارتباط امام با شیعیان و افشا کردن فعالیت‌های آنها به‌کار گماشت. (15)

مؤید دیگر آن است که منصور عباسی، امام صادق (علیه السلام) را به اتهام حمایت از قیام «محمد بن عبدالله» (نفس زکیه) به عراق فراخواند و در ضمن، حضرت را متهم نمود که «معلی بن خنیس» را برای جمع‌آوری اموال به‌منظور کمک به قیام مذکور نزد شیعیان فرستاده است. (16) دستگیری معلی بن خنیس و بازجویی شدید از وی برای فاش کردن اسامی یاران و شیعیان امام صادق (علیه السلام) و در نهایت شهادت او توسط داوود بن علی والی مدینه (17) نیز می‌تواند، مؤید حساسیت حکومت نسبت به فعالیت‌های امام (علیه السلام) و شیعیانش باشد.

مقابله با شرایط سیاسی - اجتماعی موجود، نیاز به مهندسی و طراحی در جامعه شیعه داشت؛ از این‌رو امام صادق (علیه السلام) برای حفظ جامعه تشیع و صیانت رهبری شیعه، راهبردهایی به اجرا گذاشت که عبارتند از:

1. دور کردن شیعیان از گرداب‌های سیاسی

در دوره ظهور حکومت عباسی مشکل اصلی برای جامعه شیعه مجذوب شدن شیعیان در تحرکات عباسیان بود؛ به‌خصوص اشخاص جوان و شخصیت‌های انقلابی و حساس و دلاور که زود جذب حرکت‌های مسلحانه می‌شوند، به‌ویژه در حرکت‌های مسلحانه‌ای که بوی قدرت نیز از آن استشمام شده و شعار پیروزی حق بر باطل و پیروزی عزاداران حسین (علیه السلام) بر قاتلان آن حضرت در رأس آن باشد. این خطری بود که حتی خود خاندان امام صادق (علیه السلام) نیز از آن ایمن نبودند. به‌عنوان مثال برخی از بنی‌الحسن (علیه السلام) با عباسیان جلسات سرّی داشتند. (18) در چنین شرایطی که دشمن از وضعیت جامعه شیعه خبر داشته و با عده‌ای از آنها رابطه دارد، ضرورت به‌کارگیری ترفندهای سیاسی جدیدی که متفاوت با روش‌های قبلی باشد، به‌خوبی احساس می‌شد. قطعاً امام (علیه السلام) مصلحت نمی‌دید که عباسیان را به‌صراحت رد نموده و از آنها اعلان برائت کند؛ چون اولاً شعار آنها (الرضا من آل محمد) برای مردم فریبنده بود و ثانیاً در آینده که عباسیان غالب می‌شدند، امام و شیعیانش در معرض خطرات و آسیب‌های جدی قرار می‌گرفتند. بنابراین امام (علیه السلام) برای مقابله با این تهدید از ایما و اشارات استفاده نمود. به‌عنوان نمونه، بنی‌الحسن (علیه السلام) را به دامی که در آن گرفتار شده‌اند، توجه می‌دهد و در جلسه‌ای که میان بنی‌العباس و بنی‌الحسن (علیه السلام) برای بیعت با نفس زکیه تشکیل یافته و از امام (علیه السلام) نیز برای بیعت با نفس زکیه دعوت شده بود، امام به عبدالله بن حسن پدر نفس زکیه می‌فرماید: «این (حکومت) نه به‌سوی تو خواهد آمد و نه برای دو فرزندت. این (حکومت) مال بنی‌العباس است و دو فرزند تو نیز کشته خواهند شد. بعد امام (علیه السلام) از جا بلند شده و به اشاره گفتند: صاحب عبا ی زرد (منصور) تو را خواهد کشت. یکی از اصحاب بنی‌العباس به‌نام عبدالعزیز بن علی می‌گوید: من از دنیا نرفتم مگر اینکه دیدم منصور او را کشت.» (19) یعنی امام (علیه السلام) با شیوه‌های مختلف صحنه واقعی و آنچه را که اتفاق خواهد افتاد، برای علویان تصویر می‌کنند تا متنبه شده و ابزار کار عباسیان قرار نگیرند.

از طرفی در این دوره قیام قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) زیاد مطرح می‌شد. از این‌رو برخی سعی داشتند قسمت جعلی روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخصوص مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) که فرموده بود «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی» (20) را علم نموده و آن را بر ادعای امامت و مهدویت خود منطبق سازند. به‌عنوان نمونه، بنی‌الحسن (علیه السلام) تلاش کردند محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) را به‌عنوان مهدی امت معرفی و با او بیعت نمایند. (21) این مسئله مورد توجه منصور عباسی که نامش عبدالله بود نیز قرار گرفته و شاید برای ترغیب بیشتر مردم بر بیعت با فرزندش، لقب وی را مهدی گذاشت. امام صادق (علیه السلام) باطل بودن این ادعاها را با ذکرعلائم قیام قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) به‌صورت غیر مستقیم اعلان می‌نماید تا شیعیان به سمت آنها گرایش پیدا نکنند. (22)

همچنین پوشیدن لباس سیاه توسط عباسیان به بهانه عزاداری که می‌توانست برخی از جماعت شیعه را دچار اشتباه کند، از چشمان تیز امام (علیه السلام) به دور نمانده و آن حضرت با تعبیرات متعدد کنایه‌ای، شیعیان را به این مهم توجه داده است. مثلاً می‌فرماید: «لباس سیاه لباس اهل دوزخ است»، (23) یا «لباس سیاه لباس فرعون است»، یا «لباس دشمنان مرا نپوشید.» (24) مفهوم و دلالت التزامی این روایات می‌تواند این باشد که به بنی‌عباس ملحق نشوید.

در موارد بسیاری نیز امام (علیه السلام) به شیعیان دستور مستقیم می‌دهد: «زبان‌های خود را کنترل نموده و در خانه‌های خود

بنیشتید؛ زیرا آنچه به شما اختصاص دارد (حکومت اسلامی حقیقی) به این زودی به شما نمی‌رسد و زیدیه همیشه حافظ و نگهبان برای شماست.» (25)

این تأکیدات سیاسی از ناحیه امام صادق (علیه السلام) محوری را برای شیعیان ترسیم و مشخص می‌کرد تا از محدوده آن خارج نشده و در دام جریان‌های دیگر گرفتار نشوند. امام صادق (علیه السلام) همه این تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کرده و با جلوگیری از هدر رفتن نیروها، جماعت شیعه را به سمت مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی و ایجاد تحول و انقلاب فکری در آن هدایت نمودند.

پی نوشت:

[1]. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج 6، ص 5347.

2. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص 36.

3. معین، فرهنگ فارسی، ج 4، ص 5205.

4. همان، ص 4475.

5. رشاد، «مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی؛ ماهیت، مبانی و مسائل»، ماهنامه زمانه، تیرماه 1386، ش 58، ص 26.

6. پیروزمند، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، ص 117.

7. آثار شهادت امام حسین (علیه السلام) با ورود اسرا به کوفه و خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) و ابراز تأثر و گریه شدید مردم (ابن طیفور، بلاغات النساء، ص 24) و همچنین سخنان پرشور و مؤثر امام سجاد (علیه السلام) و درخواستن بانگ شیون و اعلام فرمانبری کوفیان از امام سجاد (علیه السلام) (ابن طاووس، اللهوف، ص 66) و تکرار این صحنه‌ها در شام و مدینه آغاز شده و در سال‌های بعد به شکل قیام علیه بنی‌امیه ظاهر می‌شود. قیام توابعین (65 ق) که به دنبال احساس پشیمانی شدید کوفیان و قیام مختار (66 ق) که با انگیزه و شعار خون‌خواهی امام حسین (علیه السلام) شکل گرفته بود، نمونه بارز تجلی احساسات و عواطف مردم در قالب قیام است. این اعتراضات در عصر امام صادق (علیه السلام) با قیام و شهادت زید بن علی (علیه السلام) و فرزندش یحیی ادامه یافت. قیام زید و یحیی به اندازه‌ای اثرگذار بود که مردم تا یک هفته عزای یحیی را به‌پا نمودند و در آن سال هر کودکی که در خراسان متولد شد، نامش را یحیی و یا زید گذاردند. (مسعودی، مروج الذهب، ج 3، ص 222)

8. هاشم معروف در این باره می‌نویسد: «حزب اموی پس از آنکه به شکل محوری‌ترین حزب در مخالفت با علی (علیه السلام) درآمد، هرچند از دیدگاه اکثر مسلمانان شرایط یک حاکم پذیرفته‌شده را نداشت، اما با همه وسایل برای استوار ساختن پایگاه دینی خود و تقویت آن دست به کار شد و به همین منظور، آزمندان و نیز کینه‌توزانی را که در پیرامون خود گرد آورده بود، برای جعل احادیثی که منزلت و ارج این حزب و خاندان اموی را بالا می‌برد و خلفای ثلاثه را بر همه مردم برتری می‌داد، به کار گرفتند و آنان نیز احادیثی در برتری دادن شام و دیگر شهرهایی که ساکنان آن طرفدار این حزب بودند، بر سایر شهرها و بر همه سرزمین‌ها، و نیز ده‌ها حدیث در مذمت علی (علیه السلام) و خاندان بنی‌هاشم به قصد فریب دادن مردم و بازداشتن آنان از آنچه که از رسول اکرم | درباره علی (علیه السلام) و فرزندانش شنیده و به یکدیگر منتقل نموده بودند، جعل کردند.» (هاشم معروف الحسنی، اخبار و آثار ساختگی، ص 141)

9. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج 4، ص 104.

10. لو جلسنا علی شاة لما افینناه. (کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 26)

11. نجاشی، الفهرست، ص 40 - 39.

12. «آل‌اعین» از خاندان‌های روایی بنام شیعی از اواخر قرن اول تا قرن چهارم هجری که منسوب به «اعین بن سئسن» هستند. افراد این خاندان از روزگار امام سجاد (علیه السلام) به دوستی با خاندان پیامبر | شناخته شده‌اند. برخی از اینان که محضر آن امام را درک کرده‌اند، به تبحر در کلام، فقه، حدیث و دیگر شاخه‌های علمی آن روزگار نام‌آور گشته‌اند. پس از آن حضرت نیز نوادگان و اخلاف اعین مصاحبت دیگر امامان را برگزیده و گروهی از آنان به مقامات بلند علمی و دینی نائل آمده‌اند.

ابو غالب زراری که خود از این خاندان است، آل‌اعین را حدود 60 نفر دانسته است. (زراری، رساله ابی‌غالب الزراری، ص 114)

13. درباره زمان و کیفیت کشف قبر حضرت علی(علیه السلام) اقوال متفاوتی نقل شده است. روایات متعددی که علامه مجلسی نقل کرده، ناظر به این است که امام صادق(علیه السلام) قبر حضرت علی(علیه السلام) را بارها به اصحاب و یاران خود نشان داده است. (مجلسی، بحارالانوار، ج 97، ص 238 - 235) همچنین طبق روایتی، منصور عباسی در زمان امام صادق(علیه السلام) و با دلالت آن حضرت به موضع قبر علی(علیه السلام) واقف شده است. (ابن طاووس، فرحة الغری، ص 119) در خرائج و جرائع نیز آمده است: «و لم یزل قبره مخفیا حتی دل علیه جعفر بن محمد فی ایام دولة العباسیه(علیه السلام)». (راوندی، الخرائج و الجرائع، ج 1، ص 238) در مقابل، شیخ مفید روایتی نقل می‌کند که مطابق آن، قبر امام علی(علیه السلام) در زمان هارون الرشید و در جریان شکار وی در حوالی محل دفن حضرت کشف شده است. آنچه مسلم است اینکه، قبر آن حضرت در هیچ زمانی برای امامان معصوم مخفی نبود، اگرچه در میان عموم مردم پنهان بوده باشد.

14. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ص 238.

15. راوندی، الخرائج و الجرائع، ص 721.

16. ابن‌طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص 199.

17. کشی، رجال، ص 381.

18. بلاذری، انساب الاشراف، ج 3، ص 78؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 190.

19. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص 184. برای تاریخ دقیق این جلسه گزارشی در منابع اولیه یافت نشد، لکن نظر به حضور ابراهیم امام در این جلسه و کشته شدن وی در سال 132 ق، قطعاً این جلسه قبل از سال 132 ق برگزار شده است.

20. در صحیح ترمذی و سنن ابن‌ماجه و نیز در روایات اهل‌بیت^ا چنین تعبیری وجود ندارد.

21. مفید، الارشاد، ج 2، ص 190.

22. مجلسی، بحارالانوار، ج 51، ص 24.

23. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 281.

24. همان، ج 4، ص 385؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ص 99.

25. كفوا السننكم و الزموا بیوتكم فانه لا یصیبكم امر تخصون به ابدًا و لا تزال الزیدیه لكم وقاء ابدًا. (کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 254؛ نعمانی، الغیبه، ص 197)

مهدی نیک‌آفرین: کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی.

فاطمه جان‌احمدی: دانشیار دانشگاه الزهرا(سلام الله علیها).

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی 10